



فهرست مطالب

۲	سخن نخست
۳	چرایی اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل
۸	اهمیت دشمن شناسی از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۱۲	نقش روحانیت در اقتصاد مقاومتی
۱۵	علل ترور شهید مطهری
۱۷	دلایل شکست اصول گرایان
۱۹	پروژه ی نفوذ فرهنگی

انتقادات، پیشنهادات و سؤالات خود را با ما در
میان بگذارید.

نمبر: ۰۷۱۵۴۴۴۶۰۲۴

Email:

mohamad gahramane@ymail.com

بسم الرحمن الرحیم

بصیرت ظهور

فصلنامه تحلیلی-سیاسی

بسیج طلاب حضرت نرگس (علیها السلام) جهرم
سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار ۹۵

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه

مدیر مسئول:

سید علی اکبر حمزوی

سر دبیر:

عادلہ رنجبر

همکاران این دوره:

فاطمه توحیدی، سمیرا رحمانیان،

سعیده رحمانیان، حکیمه شعبانی

صفحه آرایی: سمیه مصلی نژاد

با تشکر از:

مسئول محترم حوزه نمایندگی

ولی فقیه در جهرم:

حجت الاسلام محمد شفیع قهرمانی

سال ۱۳۹۵ با نام گذاری "**اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل**" توسط امام خامنه ای مد ظله العالی آغاز گردید. این نامگذاری درحالی دوباره تکرار می شود که بیانگر عدم توجه واقعی به مفهوم اقتصادی مقاومتی و باقی ماندن آن در حد یک شعار است که رهبر معظم انقلاب در ادامه نامگذاری به اقدام و عمل تاکید فرموده، به نحوی که خواستار آن شدند تا در آخر سال باید اثرات و برکات آن، به صورت عملی قابل مشاهده باشد.

البته باید توجه داشت در زمانی که تهاجم فرهنگی به شدت بر افکار مردم تأثیر گذاشته به نحوی که سبک زندگی اسلامی به سمت غربی شدن پیش می رود و نیاز جدی به فعالیت فرهنگی است، رهبر انقلاب بر روی اقتصاد بیشترین تاکید را داشته و علت آن در این برهه از زمان، اقتصاد زمینه ساز تسلط دشمن بر ما شده، باید جستجو کرد و طبق قاعده نفی سبیل نقطه آسیب پذیری ما را در زمینه اقتصاد به خوبی می توان درک کرد. بنابراین شایسته است که در جهت رفع سریع آن گام های اساسی برداشته شود.

البته اقتصاد مقاومتی را می توان یکی از مؤلفه های فرهنگ محسوب کرد، چرا که فرهنگ دامنه ی گسترده ای داشته و شامل موارد متعددی می شود که یکی از آنها هم امر اقتصادی است و آن فرهنگ اقتصاد اسلامی است. اما پیش زمینه عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی، فهم وضع کنونی کشور و تعیین آن برای توده جامعه به خصوص نسل جوان می باشد، لذا باید بحث اقتصاد مقاومتی به **گفتمان** تبدیل گردد به نحوی که با تار و پود جامعه آن چنان تلفیق گردد که به فرهنگ مبدل شود، در واقع با گفتمان سازی است که اهمیت اجرا شدن اقتصاد مقاومتی بومی گشته و مردم شهر و محله به اهمیت آن در جهت رفع اساسی مشکلات پی می برند و همت خود را در این زمینه معطوف می دارند .

بنابراین باید برنامه های اقتصاد مقاومتی را مطابق با دستورات و منویات مدبرانه رهبر دلسوز انقلاب تدوین نمود، و با اقدام به موقع و عمل شبانه روزی مطلوب مد نظر رهبری معزز انقلاب که شایسته ی ملت بزرگوار ایران هم است، حاصل گردد.

مقام معظم رهبری

امسال را به عنوان "اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل"

نامگذاری کردند؛ مقوله ای که حضرت آقا چندین سال بر روی آن
عنایت و تأکید خاصی داشته اند. حال سوال این است که با این همه
نیازهایی که در جامعه وجود دارد، خصوصاً در عصر تهاجم فرهنگی که نیاز
جدی به فعالیت فرهنگی است، معظم له چرا بر روی اقتصاد بیشترین تأکید را
داشته و دارند؟ جواب این است که:

۱- یکی از حربه ها و هجمه های دشمنان این انقلاب و مرز و بوم برای شکست این نظام، از اول انقلاب تاکنون خصوصاً در چند سال اخیر، **جنگ اقتصادی و تحریم ایران** بوده است؛ بنابراین جا دارد ما هم از باب مقابله با این دشمن قدار و کینه توز مقابله به مثل داشته و به فکر خنثی سازی نقشه های او باشیم.

۲- همان طور که در ایام جنگ تحمیلی با استقامت و پایداری به مقابله با دشمنان خارجی و داخلی برخاستیم و در آن جنگ تمام عیار و نامتقارن جهانی، دشمنان غربی و عربی را به عقب رانده و شکست مفتضحانه داده و سر بلند و پیروز میدان نبرد گشتیم، لاجرم در این جنگ اقتصادی و در این ایام تحریم تحمیلی دشمن هم راهی جز **مقاومت و پایداری** نداریم.

۳- قبل از انقلاب تا امروزه، به کرات برای ما ثابت شده که اعتماد و تکیه و خوش بینی به دشمن، چیزی جز شکست و عقب ماندگی به دنبال ندارد، چنان چه بنا به فرمایش حضرت آقا (قرب به مضمون)، بنی صدر برای گریز از زیر بار فشار انگلیس، به آمریکا پناه آورد و به او تکیه کرد، اتفاقاً توسط همان آمریکا و به کمک همان انگلیس کتکش را هم خورد و کودتا در دولت او راه انداختند؛ رضا خان و محمدرضا شاه نیز به آنها تکیه کردند و نتیجه خسارت باری جز عقب ماندگی و تجزیه ایران به دنبال نداشت.

در زمان اصلاحات نیز جهت جلب اعتماد آمریکا در امر هسته ای نتیجه زیان باری جز پلمپ تأسیسات هسته ای و نسبت دادن شرارت بین المللی به ایران، چیز دیگری به دنبال نداشت. اخیراً هم با صرف وقت و انرژی زیادی بابت مذاکرات هسته ای و جلب اعتماد آمریکا که حضرت آقا بارها بر عدم خوشبینی به مذاکرات تأکید داشتند و کلید حل مشکلات را در داخل کشور و به دست جوانان و اندیشمندان ایرانی و اقتصاد درون زا می دانستند نه در لوزان و سوئیس و ژنو، به عینه دریافتیم که فرمایشات روشنگرانه آقا از چه بصیرت و دشمن شناسی عمیق و وثیقی حکایت دارد.

قرآن کریم نیز این مطلب را به روشنی برای ما بیان کرده است که تکیه بر دشمن و خوشبینی به وعده های او، چیزی جز نابودی و سوختن را به دنبال ندارد:

«وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنِ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ / هود ۱۲۳»

و حضرت باری تعالی خوب به ما متذکر شده اند که دشمنانتان در پیمانشان با شما هیچ تعهدی ندارند:

«انهم لا ایمان لهم/ توبه ۱۲»

در این قضیه برجام به خوبی اثبات شد که آمریکا همچنان شیطان بزرگ است و جز شیطنت و ضربه زدن به ما هدف دیگری ندارد. اگر در برجام از رفع و لغو برخی موارد جزیی و ناچیز تحریمها سخن می گفت، چیزی جز لفاظی و حرفای نیرنگ گونه و تنها بر روی کاغذ چیز دیگری نبود و در مقام عمل خلافتش را به عینه مشاهده کردیم؛ مثلاً در ساعات بامداد ۲۷ دی ماه ۹۴ برخی موارد تحریم را لغو (فقط روی کاغذ) کرد، اما دقیقاً چند ساعت بعد از آن در همان روز مجدداً ایران را به بهانه واهی تحریم کرد!

و این ما هستیم که می بایست تلاش کنیم تا خود، درد خودمان را دوا کنیم نه در درمان درد به دردداران دیگر خصوصاً از جنس دشمنش پناه آوریم. مگر نه اینکه بسیاری از جوامع غربی در این چند سال اخیر خود دچار بحران اقتصادی شده اند و مگر نه اینکه همین سال گذشته، دولت فدرال آمریکا به خاطر مشکلات مالی ۱۶ روز تعطیل و حدود ۸۰۰ هزار از کارمندان خود را به مرخصی اجباری بدون حقوق فرستاد؟؟!!

بنابراین از این گرگ گرسنه‌ی غارتگر، توقع حمایت و کمکی نیست! بالا کشیدن دو میلیارد دلار از اموال بلوکه شده ایران به بهانه های واهی و غیرقانونی و راهزنی بین المللی، آخرین عمل غارتگری بود که همین چند روز پیش از این جرثومه فریب و فساد علیه ایران صورت گرفت.

این مهم همان مقوله مؤکد قرآنی است که می بایست در زندگی و امور اقتصادی آن را به کار گرفت. اسراف‌ی که خداوند به واسطه آن، قوم حضرت لوط را سنگ باران کرد: «لنرسل علیهم حجاره من طین مسومه عند ربک للمسرفین/ ذاریات/ ۳۳ و ۳۴» و اسراف‌ی که یکی از ویژگی های فرعون شمرده شده:

«و انّ فرعون لعالٍ فی الارض و انه لمن المسرفین/ یونس/ ۸۳». همان رفتاری که فرد را در سلک برادران شیطان قرار می دهد: «انّ المُبذِرین کانوا اخوان الشیاطین/ اسراء/ ۲۷»

۴- اقتصاد مقاومتی می تواند یکی از مؤلفه های فرهنگ باشد، چون فرهنگ دامنه ی گسترده ای دارد و بر تمام امور سایه افکنده و شامل موارد متعددی می شود؛ یکی از این موارد نیز امر اقتصادی است چرا که لازم است ما به عنوان یک مسلمان، فرهنگ اقتصادی، و اقتصادی فرهنگی داشته باشیم. در واقع اقتصاد مقاومتی یکی از اقسام فرهنگ اقتصادی و اقتصاد فرهنگی است چون یکی از لوازم اقتصاد مقاومتی، اجتناب و پرهیز از اسراف و بریز و بپاش است.

بلیه ی خانمان سوزی که متأسفانه کشور اسلامی و شیعی ما مبتلا به آن است و با تأسف فراوان باید گفت کشور ایران که داعیه ی محوریت جهان اسلام و تشیع را دارد، یکی از کشورهای پرمصرف جهان است! مقوله ای که مقام معظم رهبری به آن توجه اکید داشته، و سالهای ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷ را با عناوین احتراز از مصرف بیجا و سال ۸۸ را صرفاً با عنوان "حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف" نامگذاری کرده و تأکید داشتند که این عنوان اختصاص به این سال ندارد، بلکه می بایست از امسال این حرکت شروع شود.

۵- در باب اهمیت اقتصاد همین اندازه بس که طبق روایات ائمه ی هدی علیهم السلام، اقتصاد یکی از لوازم حفظ دین و گسترش فرهنگ دینی است و در واقع اقتصاد و فرهنگ دو اصل تفکیک ناپذیرند.

چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «**لا معاد لمن لا معاش له**؛ کسی که معیشت و اقتصاد نداشته باشد، آخرتی هم ندارد.»
در جای دیگری نیز فقر را یکی از عوامل کفر برشمردند: «**كان الفقر ان يكون كفراً**؛ چه بسا فقر و نداری فرد را به مرز کفر و الحاد سوق دهد.»
و حضرتش فعالان اقتصادی را هم سنگران مجاهدان فی سبیل الله دانسته اند:
«**كاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله**؛ جهادگران در امر رفاه اهل و عیال خویش، همچون رزمندگان در راه خدایند.»
با رشد اقتصادی و توان مالی می توان اعتقادات دینی و فرهنگ غنی و پربار خویش را گسترش داده و به سمع و نظر دیگران رساند.

۶- طبق آموزه های دینی جامعه اسلامی می باست یک جامعه فعال و مولد باشد نه یک جامعه مولود و منفعل؛ چون دشمن تلاش دارد بر مسلمانان مسلط شود خصوصاً تسلط اقتصادی، و خداوند متعال نهی صریح بر این موضوع دارد: «لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِینَ عَلَى الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا / نساء ۱۴۱»

فلذا برای عدم تسلط دشمن بر خویش می بایست اقتدار و سلطه اقتصادی به دست آورد که این مهم نیز با اقتصاد مقاومتی و فعالیتهای تولیدی و صنعتی به دست می آید. این همان چیزی است که مقام معظم رهبری بارها تأکید داشته اند که می بایست وابستگی خویش را به سرمایه ملی نفت کاهش داد و خام فروشی نداشت، بلکه نفت خام خویش را به عرصه فرآوری و صنعتی و تولیدی آورده و صادرات را بر واردات غلبه داده و بازار جهان را به دست گرفت.

با توجه به دلایل مطرح شده و دلایل دیگری که فرصت مطرح کردن آن ها در این مختصر نمی باشد، بر ما واجب است برای برون رفت از مشکلات اقتصادی و فرهنگی کشور، از زیباترین و قابل اعتمادترین تدبیر رهبری عزیز، یعنی اقتصاد مقاومتی همراه با اقدام و عمل، استفاده کرده و تنها فاکتور سعادت و خوشبختی و پیروزی خویش را این مهم بدانیم.

سعیده رحمانیان

اهمیت دشمن شناسی از منظر علی (علیه السلام)

یکی از اساسی ترین شرایط پیروزی نهائی هر انقلاب- و به تعبیر دقیق تر هر حرکت اجتماعی- شناخت دشمنان آن است. شناخت دشمن نه تنها شرط حصول و تداوم انقلاب، بلکه از مهم ترین علل تکامل فردی و اجتماعی انسانها و جوامع به شمار می رود. زیرا آدمی در مسیر تکاملی خود تا آنجا که دشمن را شناخته، می تواند در دفع آن بکوشد، و قطعاً ضربه های فراوانی از دشمنان ناشناخته خورده و می خورد. هم از این روست که پیامبر گرامی اسلام (علیه السلام) فرمود: «**الا و ان اعقل الناس عبد عرف ربه فاطاعه و عرف عدوه فعصاه**»^۱ (آگاه باشید، عاقل ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند و دشمنش را نیز بشناسد و آن گاه نافرمانیش ننماید).

درگیری اسلام و کفر مسئله ای نیست که در حال حاضر نیاز به اثبات داشته باشد. بلکه آنچه نیاز به توجه و دقت دارد کنکاش پیرامون عوامل پیروزی یا شکست اسلام در این درگیری است. بنابراین در جنگ همه جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی جاری در دنیای معاصر بین جبهه کفر و نفاق و ظلم از یک طرف و جبهه توحید و ولایت و عدالت از سوی دیگر یکی از مهم ترین مسائل، بررسی عوامل پیروزی یا شکست در این درگیری تمدنی است.

و فرمود: «مردم اگر به ده چیز شناخت پیدا کنند، سعادت دنیا و آخرتشان تأمین است... یکی از آن امور شناخت ابلیس و یاورانش می باشد.»^۲ روشن است که ابلیس و یاورانش همان اولیاء طاغوتی هستند که جبهه دشمنان حق و حقیقت و انسانیت را شکل داده اند. نیز علی (علیه السلام) در جای-جای کلمات نورانی خویش با تأکید دائمی بر ضرورت دشمن شناسی، پیروان خود را از مکرها و حیل های دشمن بر حذر داشته است.



به عنوان مثال این موارد تنها بخشی از خطابات نورانی ایشان به تاریخ مقاومت است که می‌فرمایند: «لا تستصغرن عدوا و ان ضعف»^۳ (هرگز دشمنی را کوچک شمار، هرچند ضعیف باشد). نیز در حکم منسوب به ایشان آمده است: «کن للعدو المكاتم اشد حذرا منك للعدو المبارز»^۴ (از دشمن پنهان بیشتر برحذر باش تا دشمن آشکار). و فرمود: «آفه القوى استضعاف الخصم»^۵ (آفت قدرتمند ضعیف شمردن دشمن است). و «اکبر الاعداء اخفاهم مکیده»^۶ (بزرگ‌ترین دشمنان کسانی‌اند که حيله خود را بیشتر پنهان دارند). و «شر الأعداء ابعدهم غورا و اخفاهم مکیده»^۷ (دقت در این نهیب‌های هشداردهنده امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دیگر گفتارهایی که در این باره از امامان معصوم (علیهم السلام) وارد شده، نمایان‌گر این امر مهم است که یکی از اساسی‌ترین عوامل شکست، غفلت از دشمن است.

همین تمسک به دشمن‌شناسی علوی بود که در جریان انقلاب اسلامی کبیر ملت ایران به رهبری فرزند علی (علیه السلام) و زهرا (علیها السلام) در حکم شاه کلید پیروزی جبهه مقاومت عمل کرد. استقامت و افشاگری حضرت روح الله (رحمه الله) و نمایاندن دشمن حقیقی به ملت ایران بود که باعث اتحاد ملی و همگانی شدن انقلاب و فروپاشی «جزیره ثبات» دنیای کفر در قلب دنیای اسلام شد. امروز نیز اهمیت بصیرت در شناخت دشمن اگر بیشتر از دیروز نباشد، یقیناً کمتر نخواهد بود. دشمن‌شناسی هم در پیروزی هر انقلابی نقش اساسی دارد و هم در ادامه یافتن آن. تاکید همواره علی (علیه السلام) در دوران حکومت خود بر اینکه: «من نام لم ینم عنه»^۸ (آن کس که از دشمن غافل شود ضرورتاً دشمن نیز از او غافل نخواهد شد) به خوبی ضرورت شناخت دشمن و پرهیز از غفلت از آن در حکومت ولایی را نشان می‌دهد.

یقیناً بهترین راه شناخت دشمنان اسلام در هر عصری بررسی ویژگی‌ها و صفات دشمنان انقلاب در این دو مقطع حساس از تاریخ اسلام می‌باشد. امری که با اثبات ضرورت دشمن‌شناسی مساله‌ای اغماض‌ناپذیر خواهد بود.

سه جریان عمده مخالف حکومت حضرت علی (علیه السلام) هر یک به روشی به دشمنی با حضرت پرداختند و برای دستیابی به اهداف خویش توطئه های فراوانی به راه انداختند. از این سه جریان، ناکثین از همه بیشتر در این راه پیش قدم بوده اند. اینها کسانی بودند که جزء اصحاب پیامبر و از اولین بیعت کنندگان با حضرت امیر (علیه السلام) بودند. سمبل این جریان طلحه و زبیر هستند. بررسی این جریان می تواند ما را در شناخت دشمنان داخلی انقلاب اسلامی که در لباس دوستی تیشه به ریشه انقلاب می زنند، یاری دهد.

مهمترین روش ها و تاکتیک های دشمنان اسلام از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) عبارتند از:

۱) انجام فعالیتهای سازمانی و تشکیلاتی:

علی (علیه السلام) بیان می دارند، با اینکه اهل باطل در درون خود جهنمی از اختلاف و تفرقه دارند، اما در مقابل حق متحد بوده و در قالب یک تشکل به مقابله با حق می پردازند. علی (علیه السلام) در نهج البلاغه آنگاه که سخن از پیمان شکنان می کند بر روی این نکته تأکید می کند که اینان گروهی متشکل و سازمان یافته هستند. دشمنان برای رسیدن به اهداف خود با یکدیگر متحد شده و همکاری می کنند.

جریان ناکثین (پیمان شکنان) قصه دردناک خودی های بریده از آرمان ها است.

ناکثین داستان عبرت آمیز برگزیدگانی است که دنیاطلبی، آنان را در مدار نفاق قرارداد و سرانجام به مبارزه با امام (علیه السلام) کشاند. این جریان آینه عبرت است. درسی برای تمامی کسانی که باور دارند دنیا محل امتحان است و ماده امتحانی آن، عشق به خداست.

«به خدا سوگند معاویه از من سیاستمدارتر نیست وی نیرنگ می زند اما من اهل مکر و حيله نیستم»



- (۲) شعارها و بهانه های عامه پسند (۳) استفاده ابزاری از چهره های مقبول (۴) ایجاد شبهه
(۵) مکر و حيله (۶) تبلیغات و جو سازی (۷) ایجاد اختلاف و تفرقه در صف مسلمین
(۸) فرصت طلب (۹) استفاده ابزاری از مقدسات

لذا پس از شناخت دشمن و آشنایی از اهداف و نقشه های شوم آنان، راه مقابله با دشمن را نیز درکلام مقام معظم رهبری می یابیم که فرموده اند: «اگر ملتی بیدار، آگاه، با عزم و متکی بر ایمان و همراه با رویش باشد بر همه توطئه ها غلبه خواهد کرد»؛ «واگر ما بیدار باشیم، غفلت یا اشتباهی نکنیم، دشمن نمی تواند کاری بکند.»؛ «بصیرت، قطب نما حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به گونه ای که اگر کسی این قطب نما را نداشت و نقشه خوانی را بلد نبود ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. بصیرت ممتزین راه مقابله با این فتنه آفرینی هاست هوشیاری و درک موقعیت - جرأت اقدام و نترسیدن از سختی ها و خطرها - و ایمان و امید به آینده سه درس مهم [هستند] این درسهای مهم، راهگشای امروز و آینده ملت و کشور است.»

سخن آخر اینکه در شرایط کنونی که حجم تهدیدات و فشارهای دشمنان رو به افزایش است و کشور نیازمند آرامش و وحدت برای حرکت به سمت رشد و تعالی در همه زمینه های اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاست خارجی است مردم هوشیار و مسلمان کشور توقع دارند نخبگان و جریانات سیاسی با تبعیت از مقام معظم رهبری مشی اعتدال را پیشه کرده و یک طرف به ترسیم و مرزبندی مواضع با ضد انقلاب و بیگانگان همت گمارد و طرف دیگر با تفکیک معترضین از ضد انقلاب و دشمن اصرار بر حذف سرمایه های کشور نداشته باشد.

- ۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۹/ ۲- شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، واژه عرف. ۳- عبدالواحد تمیمی، غرر الحکم و دررالکلم، ح ۳۳۳/ ۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۱. ۵- محمد رضا حکیمی، الحیاء، ج ۱، ص ۱۲۶. ۶- کاشف الغطاء، مستدرک نهج البلاغه، ص ۱۵۷/ ۷- عبدالواحد تمیمی، غرر الحکم و دررالکلم، ح ۵۷۸۱

پی نوشت ها:

عادلہ رنجبر

اقتصاد مقاومتی، توسط مقام معظم رهبرامام خامنه‌ای مدظله العالی سالیان اخیر مطرح شده و سیاستهای کلی آن با کمک نخبگان کشور در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ به سران سه قوه ابلاغ گردیده است.

یکی از اقصاری که در این زمینه آگاه سازی جامعه سهم به سزایی دارد قشر طلاب می- باشد. روحانیون به عنوان قشر اثر گذار و هدایت گر افکار باورهای جامعه را ساماندهی کرده و در صورت عملکرد صحیح به تبع آن در تحقق جامعه‌ای بر مبنای الگو اسلامی نقش بی بدیل خواهد داشت، و با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی ریشه در فقه و سیاست اسلامی و شیعه دارد. بنابراین با رجوع به متون و اندیشه‌های فقه‌های بزرگ اسلام می‌توان عناصر و مؤلفه‌های آن را مشاهده کرد یکی از این فقها امام خمینی رحمته الله علیه است با مراجعه به صحیفه امام مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را برمی‌شمرد.

سال جدید در حالی " اقتصاد مقاومتی " نام گذاری می شود که بیانگر عدم توجه واقعی به مفهوم اقتصادی مقاومتی به نحو باقی ماندن در حد یک شعار و گرفتن چند سمینار و گزارش های نه چندان اثر گذار باعث گردید که رهبر معظم انقلاب ضمن تکرار نام اقتصاد مقاومتی در ادامه نامگذاری، به اقدام و عمل تاکید کردند. با توجه به اینکه یکی از ابعاد مرتبط با انسان، جنبه‌های اقتصادی زندگی او می‌باشد و اسلام به تربیت انسان در این زمینه توجه نموده است.

البته باید توجه داشت که پیش زمینه تعیین اقتصاد مقاومتی، فهم وضع کنونی کشور و تعیین آن برای توده جامعه به خصوص نسل جوان می‌باشد بنابراین باید بحث اقتصاد مقاومتی به **گفتمان** تبدیل گردد به نحوی که با تار و پود جامعه تلفیق گردد که طلاب می‌توانند در تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به یک گفتمان بسیار موثر باشند.

با گفتمان سازی است که اهمیت اجرا شدن اقتصاد مقاومتی بومی گشته و مردم شهر و محله به اهمیت آن در جهت رفع اساسی مشکلات پی می‌برند و همت خود را در این زمینه معطوف می‌دارند و برنامه های اقتصادی را مطابق با دستورات آن برنامه ریزی می‌نمایند. در واقع به وسیله گفتمان است که اقتصاد مقاومتی به **فرهنگ** تبدیل گشته به نحوی که جامعه مورد نظر را به این قضیه حساس می‌کند تا شرایط احراز شدن آن را با میل و رغبت آماده نمایند.

با توجه به اینکه بدنه روحانیت با بدنه جامعه و مردم ارتباط مستقیم دارد روحانیون قدم های موثر در ایجاد گفتمان سازی اقتصادی مقاومتی و آماده کردن اذهان مردم به سوی این نوع اقتصاد و به تبع آن عملیاتی کردن آن در تار و پود بدنه اجتماع بردارند. البته باید توجه داشت که روحانیون به عنوان یک الگو در زندگی برای مردم، طلاب و خانواده آن از جمله پیشگامان در رعایت الزامات اقتصادی و مقاومتی و الگوی صحیح زندگی اقتصادی هستند.

این کار باعث ایجاد روح عزت خواهی در گروه و عدم وابستگی می شود و با ارتباط نزدیک به جامعه و مردم و به خصوص قشر جوان و تحصیل کرده با سخنرانی جذاب و پر مغز، با محتوای اقتصاد بر مبنای علمی و واقع گرا حرکت نمایند جوانان با دیدن واقعیت ها و ایجاد زمینه مقایسه ای مبنی اقتصاد مقاومتی و بقیه اقتصادی جهان امکان انتخاب صحیح را ابزار آنان فراهم نمایند.

و مسجد به عنوان مرکز دینی و معنوی شهر به عنوان پایگاه آماده سازی جوانان به عنوان سربازان اقتصاد مقاومتی محسوب گشته و به دنبال جذب نیرو در این زمینه می توان گام های اساسی برداشت. **در نتیجه** طلاب به عنوان مبلغ و مورد اعتماد و مساجد به عنوان پایگاه مردمی نقش بسیار پر رنگی در زمینه اجرایی کردن اقتصاد صحیح و سالم بر اساس تفکرات و دستورات اسلامی دارد. البته این راه غیر ممکن و شعار دور از ذهن نیست فقط همت مضاعف با توکل راسخ را طلب می کند که ان شاء الله این مطلوب حاصل گردد.

بنابراین با رعایت ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی، مصرف-زدگی، اسراف و تبذیر الگوی صحیح زندگی اقتصادی را در عمل به مردم ارائه دهند و با درک عمیق از ساحت های دین و توجه به نقش اقتصادی در زندگی مومنین و جامعه اسلامی گفتمان سازی اقتصادی اسلام را به ویژه در شرایط جنگ اقتصادی از اهم وظایف خود داشته و از فرصت سخنرانی و خطاب در تبلیغ گفتمان اقتصاد مقاومتی و ایجاد عزم ملی برای حرکت در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی استفاده نمایند.

حکیمه شعبانی

۱۲ اردیبهشت یادآور روزی است که به یاد مظلومیت روحانی مبارز ، علامه شهید مرتضی مطهری، روز معلم نامیده شده است، معلمی که با مخالفت عالمانه خود ، خاری در چشم دشمنان اسلام به شمار می آمد، از این رو همیشه به دنبال تخریب شخصیت ایشان در جامعه بودند و چون موفق به نابودی چهره اجتماعی ایشان نشدند تصمیم به ترور ایشان گرفتند و در نیمه شب هنگامی که استاد از جلسه همیشگی متاع که مخفف "مکتب تربیتی اجتماعی علمی" و با هدف انجام فعالیت های اجتماعی مذهبی شکل گرفته بود به منزل باز می گشت توسط سه تن از اعضای این گروه به نام های حمید نیکنام، علی بصیری و وفا قاضی زاده به شهادت رسید. اما علت اصلی ترور ایشان چه بود؟

گروه فرقان یکی از گروه های سیاسی-مذهبی بود که سال ۱۳۵۵ با رهبری فردی به نام اکبر گودرزی تشکیل شد، فعالیت های این گروه در حاشیه جلسات قرآنی در چند مسجد تهران برگزار می شد، در این جلسات سعی می شد از آیات قرآن تفاسیر انقلابی و مبارزاتی بیان شود، فرقان تا جایی انحرافی فکر می کرد که گرگ داستان سوره یوسف را به ضد انقلاب تعبیر می کرد، در کنار تفاسیر افراطی از آیات قرآن، رکن دیگر این گروه مبارزه با روحانیت بود. در گزارش علی اکبر ناطق نوری قاضی پرونده آمده است؛ در نوشته های استاد، پاسخ های زیادی نسبت به شبهات این گروه دیده می شود و این ها از آن موقع کینه وی را در دل داشتند، بعد از پیروزی انقلاب، شاخه نظامی تشکیل دادند و معتقد بودند جمهوری اسلامی را آمریکایی ها سر کار آوردند و سران انقلاب نیز عوامل آمریکا و امپریالیسم هستند. " جام جم، سه شنبه ۱۳۹۱/۲/۱۲ "

به اعتقاد این گروه، حکومت جمهوری اسلامی تلاشی برای برقراری حاکمیت روحانیت بود در حالیکه این گروه از تز اسلام منهای آخوند پیروی می کرد، به همین دلیل به ترور شخصیت های برجسته انقلاب خصوصا روحانیون روی می آوردند. "سایت خبری تحلیلی عصر امروز ۹۰/۲/۱۳"

این گروه طی اعلامیه ای دلایل ترور را چنین عنوان می کند:

الف: تدریس در دانشگاه در زمان رژیم طاغوت و دریافت حقوق، و داشتن زندگی اشرافی که نشان از همفکری و همکاری با این رژیم بود که این حرف کاملا نقیض با تعریف های اشخاص در ارتباط با این استاد است.

ب: همکاری با رژیم فعلی و دیکتاتوری آخوندیسم، به عنوان رهبر در سایه.

ج: مبارزه و مخالفت با گروه و شخصیت های فرهنگی از جمله، مجاهدین خلق، فرقان، شریعتی.

از سوی دیگر بیان بحث های فکری میان استاد مطهری و دکتر شریعتی که فرقانی ها دلباخته ی او بودند سبب شد که استاد برای این گروه مهره ی خطرناکی به شمار آید. اکبر گودرزی مقداری از دروس دینی را در چند حوزه خوانده و به دلیل عقاید پوچ هر بار از حوزه اخراج شده بود، سواد او چنان پایین است که در تفسیر "ان الانسان لربه لکنود" می گوید انسان نسبت به پروردگارش کند است.

گروه فرقان که با توهم نابودی اسلام و مسلمین به ترور روحانیون بزرگی چون شهید مطهری روی آوردند، هرگز ندانسته اند که نهال اسلامی با الگوی ولایت حضرت علی (علیه السلام) هر روز بارورتر شده و با شعار امام خمینی (ره): ما را بکشید، ملت ما بیدارتر می شود، کامل شده است.

سمیرا رحمانیان

علازم توطئه های بسیار دشمن و تبلیغات گسترده ای که برای عدم شرکت مردم در انتخابات مجلس انجام دادند، بار دیگر مردم ایران وفاداری خود را به این مرز و بوم نشان داده و حضور پررنگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی داشتند. اما نکته ای که در این انتخابات بسیار قابل توجه بود، اتحاد و هم بستگی اصلاح طلبان (به خصوص در پایتخت) و در مقابل پراکندگی و تشتت آراء اصول گرایان بود، اتفاقی که در انتخاب ریاست جمهوری سال ۹۲ نیز تکرار شد. در این مقاله مختصر، به دلائل شکست اصول گرایان می پردازیم:

-عدم وحدت واقعی: شاید بتوان گفت که یکی از مهمترین علل شکست اصولگرایان وحدت آنها بود؛ چون اصولگرایان نتوانستند آن انسجام کافی و وحدت واقعی را بدست آورند. -شایعه پراکنی و اختلاف افکنی علیه اصولگرایان؛ مثل مظلوم نمایی، اخذ روش نفاق، ارسال پیامک مبنی بر تقلب در انتخابات و... صورت می پذیرفت و در این راستا برخی از رسانه های بیگانه سعی جدی در مظلوم نمایی جناح مقابل داشتند و با اتخاذ روشی نفاق آلود سعی در خراب کردن اصول گرایان به کار بردند تلاش کردند که با ارسال پیام در فضای مجازی بحث تقلب در انتخابات را در جامعه ترویج دهند در نتیجه رأی گروهی از مردم را از اصول گرایان برداشتند.

-ترغیب همه مردم از سوی دشمن جهت شرکت در انتخابات به عنوان کاندید ولو افراد دارای سوء سابقه و توصیه به حضور مردم در رای گیری و دادن رای به نفع افراد مورد نظر خود؛ دشمن تلاش کرد که مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب کرده و عده زیادی از اقشار جامعه را به شرکت در انتخابات بعنوان نامزد انتخاباتی دعوت کند هر چند که این افراد دارای سوء سابقه باشند. در ادامه تلاش کردند که مردم را علاوه بر ترغیب به شرکت در انتخابات، تشویق کنند که به نامزد های مورد نظر خود رأی دهند نه نامزد های مد نظر خود مردم.

-نقش رسانه دشمن در رای مردم که مردم تهران را تحت تاثیر خود قرار داد؛ با توجه به آمار اکثر مردم تهران با توجه به تبلیغات رسانه ها و فضای مجازی رأی دادند و از توجه به معیارهای دیگر بویژه معیارهای مطابق با قانون و شرع بازماندند.



-حضور کمرنگ در صحنه تبلیغات انتخاباتی همچون فضای مجازی، تبلیغات همراه با تاخیر، توزیع ناشیانه و نابهنگام تبلیغات؛ اصول گرایان توجهی به ظرفیت فضای مجازی نکردند و از این ظرفیت غافل شده در نتیجه جناح مقابل به خوبی از آن استفاده کرده و به نتیجه مطلوب خود دست یافتند.

-تلاش کم در جهت اقناع مردم؛ میدان رقابت افراد و جناح های مختلف است کسی در این میدان برنده خواهد شد که تلاش بیشتری داشته باشد متأسفانه در این انتخابات اصول گرایان تلاش زیادی جهت اقناع مردم نداشتند

فاطمه توحیدی

در ادبیات سیاسی "نفوذ" توسط نیروهای ویژه در عمق مواضع کشور دشمن اعمال می‌شود از این منظر وقتی از نفوذ اعم از نفوذ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سخن به میان می‌آید، منظور این است که عناصری از فکر و فرهنگ و اعتقاد و اقتصاد کشور دشمن در عقبه مواضع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی خودی نفوذ کرده‌اند. برای نفوذ نمی‌توان محدودیتی قائل شد و آن را به چارچوب و عرصه خاصی مقید کرد.

هر بخش از ساختار جامعه هدف که دشمن گمان داشته باشد که می‌تواند منشأ مقاومت شده و چون معضلی پیش روی اهدافش قرار گیرد، می‌تواند به مقصدی برای نفوذ بدل شود. به تناسب این هدف‌گذاری است که می‌توان پروژه نفوذ را به: ۱- نفوذ فکری؛ ۲- نفوذ علمی؛ ۳- نفوذ فرهنگی؛ ۴- نفوذ اقتصادی؛ ۵- نفوذ سیاسی و ۶- نفوذ امنیتی، تقسیم کرد.

هر یک از عرصه‌ها در جای خود دارای اهمیت است و می‌تواند اهداف نفوذگذار را تأمین کند. همچنین، گاه نفوذ در یک عرصه، زمینه‌ساز نفوذ در عرصه‌ای دیگر خواهد شد، و بین آنها مثل دانه‌های زنجیر پیوستگی و ارتباط برقرار خواهد بود. ضمن آنکه نفوذ در برخی عرصه‌ها تدریجی و زمان‌بر بوده و از سوی دیگر تأثیرگذارتر خواهد بود و در برخی دیگر از عمق کمتر، اما از سرعت بیشتری برخوردار است.

مؤلفه مؤثر در اولویت یافتن عرصه نفوذ، ضعف و سستی آن عرصه در مجموعه هدف است. جامعه‌ای که از ضعف فرهنگی رنج می‌برد، بیشتر در معرض نفوذ فرهنگی است. جامعه‌ای که دچار تشتت سیاسی است، در معرض نفوذ سیاسی است و به همین نسبت معضلات اقتصادی بستر ساز نفوذ اقتصادی خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره فرمودند: «این رخنه از جاهای مختلفی ممکن است باشد؛ مواظب باشید... در زمینه‌های گوناگون؛ در زمینه‌های اقتصادی، در رفت و آمدها، در همه دستگاه‌ها...» (۱۳۹۴/۶/۴)

اول؛ تجمل گرایی و دوری از ساده زیستی

در سیره عملی و نظری بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری مشاهده شده است که ساده زیستی مسؤلان و دوری از تجمل‌گرایی یک اصل محسوب می‌شود که هر لحظه باید به آن مقید بود. بگونه ای که رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند: «اینجانب از این که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم». (۶۸/۹/۲)

نفوذ فرهنگی غرب در کشور از جمله تهدید هایی است که از سالیان گذشته کماکان بر فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی سایه انداخته است و حوزه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... تحت الشعاع آثار و پیامدهای منفی خود قرار داده و در برخی موارد صدمات عمده ای را بر پیکره فرهنگ ناب اسلامی و ایرانی وارد آورده است. در اینجا به تبیین تهدیدهای مهم در عرصه فرهنگی کشور که بستری آماده و مناسب برای پروژه نفوذ فرهنگی غرب است می

همچنین باید توجه داشت تجمل گرایی و پرهیز از ساده زیستی بخصوص در مورد مسئولان نه تنها یک آسیب فرهنگی محسوب می شود بلکه افزون بر آن آثار و پیامدهای ناگواری را نیز بر فرهنگ و جامعه اسلامی بر جای می گذارد. گوشه‌ای از آثار مخرب تجمل‌گرایی به قرار زیر است:

۱- گسترش فساد؛

برای همین است که امام خمینی رحمته الله علیه بادرک صحیح از همین واقعه می‌فرمایند: «این خوی کاخ نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود. اکثر این خوی‌های فاسد، از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است.» (صحیفه امام، جلد هفده، ص ۳۷۶)

۲- سقوط و نابودی؛

از نظر قرآن کریم خوش‌گذرانی و اسراف سران جامعه، عامل سقوط و نابودی جامعه است، چنانکه در سوره اسراء آیه ۱۶ خداوند متعال می‌فرماید: «و چون اراده کردیم که جمعیت و دیاری را نابود کنیم، توان‌گران خوش‌گذران را وادار به فساد می‌کنیم و وقتی به فسق پرداختند، سزاوار عذاب می‌شوند. آن‌گاه آنجا را زیر و زیر می‌کنیم و نابودشان می‌سازیم». این آیه به یکی از سنت‌های قطعی پروردگار درباره هلاکت مردم و ارتباط آن با رفاه‌زدگان و تجمل‌گرایان اشاره دارد.

۳- بحران اقتصادی؛

همان گونه که تجمل گرایی به اقتصاد سالم خانواده آسیب وارد می‌سازد و بخش عظیمی از ثروت به جای مصرف درست دنیوی و اخروی، صرف تجمل گرایی می‌شود، همچنین آسیب جدی به اقتصاد و جریان سالم آن وارد می‌سازد؛ زیرا منابع اقتصادی و تولید را به سمت و سویی دیگر سوق می‌دهد که به جای شکوفایی اقتصادی و قوام جامعه، موجب بحران اقتصادی در بلند مدت می‌شود.

۴- مصرف زدگی؛

تجمل گرایی خود یکی از عوامل اصلی مصرف زدگی و در حقیقت آفت صرفه جویی نیز می‌باشد. کسانی که در دام تجمل گرایی می‌افتند از صرفه جویی غافل می‌شوند و ثروت و سرمایه بلکه تولید جامعه را به تباهی می‌کشانند. بسیاری از مشکلات جوامع انسانی به سبب خروج از اعتدال و گرایش به اسراف، تبذیر (ریخت و پاش) و رفاه زدگی است.

دوم؛ بزرگ جلوه دادن فرهنگ غربی

بزرگنمایی فرهنگ غربی و احساس ضعف و حقارت کاذب در مقابل این فرهنگ، یکی دیگر از آسیب هایی است می‌تواند بر سبک زندگی ایرانیان و فرهنگ جامعه اسلامی تأثیر گذارد "غاز پنداشتن مرغ همسایه". این در حالی است که باید توجه داشت فرهنگ ناشی از نظام لیبرال غربی یک فرهنگ تجربه شده است که امتحان خود را در این صد سال اخیر پس داده است و نیازی به بحث نظری عمیق و طولانی ندارد. چرا که دیگر کسی نمی‌تواند در مورد این نظام سخن به گزافه بگوید و از آن تمجید کند. در حقیقت مهمترین ویژگی فرهنگ غربی، عدم استقلال انسان‌هاست و این عدم استقلال به وسیله «کنترل افکار» و «کنترل و تحمیل علاقه‌های» انسان‌ها با شیوه‌های مدرن و نوین رسانه‌ای و هنری صورت می‌گیرد.



سوم؛ بهره گیری غیرهدفمند از شبکه‌های اجتماعی (اینترنت) و ماهواره

با نگاهی عمیق می‌توان به قدرت تخریب بیشتر شبکه های اجتماعی نسبت به ماهواره پی برد. بدون شک یکی از مهم‌ترین آفات نفوذ فرهنگی، دلبستگی به ابعاد منفی رسانه‌های سرشار از غفلت و گناه و البته هدفدار بیگانگان و دشمنان اسلام و این ملت است. دو ابزاری که استفاده غیرهدفمند از آن ها هم بنیان خانواده و هم جامعه را به قهقرا می کشاند و تأثیرات مخربی بر اعتقادات و اخلاق و فرهنگ و سیاست و اقتصاد بر جای می گذارد. زیرا هر دو قدرتی نرم اما بسیار مؤثر در تخریب فرهنگ یک ملت و تسخیر سبک زندگی هستند.

از این رو در غرب، به ظاهر فضای آزاد ایجاد کرده‌اند اما برای اینکه بتوانند انسان‌ها را کنترل کنند و آن ها را به سمتی که خودشان می‌خواهند هدایت کنند، با مهارت‌های ویژه‌ای، اداره «افکار» عمومی و اداره «انگیزه‌ها» و علاقه‌های انسان‌ها را در دست خود گرفته‌اند. و با انواع شیوه‌های مدرن و به کارگیری هنر، رسانه‌ها و تبلیغات و... دل‌ها و علاقه‌های مردم را به سیطره خودشان درآورده‌اند.

نتیجه این خواهد بود که در جوامع دموکراتیک غربی، صد سال است که صهیونیست‌ها حاکم هستند و مردم به هر کسی که رأی می‌دهند، نتیجه به نفع صهیونیست‌ها رقم می‌خورد.

گشت و گذارهای بی هدف درست مانند زمانی که از روی بی برنامه‌گی به تماشای تلویزیون می پردازید بهره وری مغز از دریافت کنش‌های پیرامون را ضعیف کرده و کاهش واکنش سیستم‌های حسی فرد را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین به یقین می توان گفت حضور بیش از حد در شبکه‌های اجتماعی نابود کننده خلاقیت کاربران بویژه نوجوانان است.

باید بدانیم که عبوراز خط قرمزهای شرعی در تعامل زن و مرد در شبکه‌های اجتماعی طی فرایندی بسیار خرنده و غیر محسوس رخ می دهد .

و این موضوع مهم را به اثبات می رساند که شبکه های ماهوره ای و فضای مجازی در تغییر فرهنگ به سوی غربی شدن حرف اول را می زند.

استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی تعاملات رو در رو را کاهش می دهد، موجب کاهش تمرکز افراد بر روی اهداف اساسی زندگی حقیقی خواهد شد ،احساس نیاز به توجه و خطر ابتلا به افسردگی را به شدت افزایش خواهد داد، به جهت مقایسه پیوسته خود با دیگران اعتماد به نفس افراد را تقلیل داده و سبب ایجاد نارضایتی از خود می شود، با ایجاد هیجانات کاذب خواب افراد دچار اختلال شده و انضباط زندگی فردی و اجتماعی آنها مختل خواهد شد.